

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی – کرج

گروه حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد

رشته مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام

عنوان

بررسی حقوق جنسی زوجه از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه و تطابق آن با تجربه زیسته زنان شهر تهران

استاد راهنما

دکتر مریم غنی زاده بافقی

استاد مشاور

دکتر حسین شفیعی فینی

نگارش

زینب کمالی

تاریخ دفاع:

۱۴۰۲/۰۶/۲۸



Kharazmi University

Faculty of Literature and Human sciences – Karaj

Department of Law and Political Science

Dissertation for obtaining a master's degree

Women's studies majoring in women's right in Islam

Title

A study of the wife's sexual rights from the perspective of religious jurisprudence and subject law and its adaption to the lived experience of women in Tehran.

Supervisor

Dr. Maryam Ghanizadeh Bafghi

ADVISOR

Dr. Hossein shafii Fini

Writing

Zeinab Kamali

Defense date

2023 – 9 – 19

چکیده

با توجه به تفاوت موجود در نیازهای جنسی زوجین، همواره به نیازهای جنسی زوجه توجه کمتری شده به طوری که از دیدگاه عموم جامعه از ارزش پایینتری برخوردار است. حتی تصور می شود تنها کسی که از این رابطه لذت و منفعتی می برد مرد است. اما برخلاف تصور می بینیم در دین اسلام این حقوق متقابل بوده و در جهت رشد و بالندگی زوجین وضع شده است. همچنین تحقیقات و مطالعات علمی صورت گرفته در سالهای اخیر این مسئله لذت جنسی طرفین را تایید میکند. رعایت این حقوق در مقابل یکدیگر سبب نشاط و بالا رفتن رضایت از زندگی، نه تنها در زوجین، بلکه در همه اعضای خانواده میشود. در این رابطه زوج نباید هنگام رابطه به زوجه آسیب جسمی یا روانی وارد کند، یا نیاز جنسی او را نادیده بگیرد. این تحقیق با هدف درک و شناخت تجربه زیسته زنان متأهل از رابطه زناشویی و حقوق جنسی خود انجام شده است. حجم نمونه در این پژوهش ۴۶ نفر از زنان متأهل شهر تهران که از طریق نمونه گیری غیر تصادفی در دسترس انتخاب شدند. روش مورد استفاده برای انجام این تحقیق مصاحبه نیمه ساختار یافته و روش اتخاذ شده، روش پدیدار شناسی توصیفی است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در کدگذاری باز شامل ۳۲ مفهوم اولیه و کدگذاری محوری شامل ۹ مضمون است، که در نهایت طی کدگذاری انتخابی چهار مفهوم اصلی استخراج شد که بدین شرح است: نگرش زوجه به رابطه جنسی ایده آل، موانع رضایتمندی جنسی زوجه، مصادیق نارضایتی جنسی زوجه و تبعات آن و تلاش برای تغییر وضعیت رابطه از دیدگاه زوجه. به طور کلی وقتی نشوز از سوی زوج رخ دهد و او تمایلات جنسی زوجه را برطرف نکند، برای دفاع از حقوق جنسی زن، ضمانت اجرایی مشخصی وجود ندارد. در این راستا با بررسی متون میتوانیم اختلاف دیدگاه قانونگذار و فقها را مشاهده کنیم. یافته ها حاکی از آن است که خلأهای قانونی قابل توجهی در زمینه قوانین مربوط به حقوق جنسی زوجه وجود دارد که تجربه زیسته زنان متأهل شهر تهران وجود این خلأها را تایید می کند. در نهایت با توجه به تغییر زمانه و چالش های عصر حاضر زوجین، ضرورت دارد که هرچه زودتر شرع و قانون در مورد وظیفه داشتن یا نداشتن مرد برای تأمین نیاز جنسی زن، موضع خود را مشخص و شفاف کنند.

واژگان کلیدی: حقوق جنسی زوجه، فقه، حقوق موضوعه، تجربه زیسته زنان شهر تهران.

Abstract

Considering the difference in the sexual needs of spouses, less attention has been always paid to the sexual needs of the wife so that it has a lower value in the public eye. It is even thought that the only person, who enjoys and benefits from this relationship, is the man. However, contrary to what we think, we observe that in Islam, these rights are mutual and have been established for the growth and development of spouses. Moreover, research and scientific studies conducted in recent years confirm the issue of sexual pleasure of both parties. Respecting these rights mutually results in happiness and further life satisfaction, not only for spouses, but also for all family members. In this relationship, the husband should not cause physical or mental harm to his wife during intercourse, or ignore her sexual needs. This research aims to perceive and recognize the married women's lived experience of their marital relationship and sexual rights. The sample size in this study includes 46 married women in Tehran who were selected through non-random sampling. The method used to conduct this research is semi-structured interview and the adopted method is descriptive phenomenology. The results of data analysis in open coding include 32 primary concepts; and the pivotal coding comprises nine themes. Ultimately, the following four main concepts were extracted during selective coding: The wife's attitude towards the ideal intercourse, the obstacles to the wife's sexual satisfaction, the examples of the wife's sexual dissatisfaction and its consequences, and the attempt to change the relationship status from the wife's point of view.

In general, when failure to fulfill marital duties occurs on the part of the husband and he does not satisfy the wife's sexual desires, there is no specific sanction to defend the woman's sexual rights. In this regard, we can notice the difference in the views of the legislator and the jurists by examining the texts. The findings indicate that there are significant legal gaps in the laws related to the sexual rights of the wife, confirmed by the lived experience of married women in Tehran. Finally, considering the changing of era and the challenges of the present day for spouses, it is necessary that Sharia and the law promptly clarify their position on whether or not a man has a duty to provide for a woman's sexual needs.

Key words: wife's sexual rights, jurisprudence, subject law, lived experience of women in Tehran.

فهرست نوشتار

۴	مقدمه
۱۶	فصل نخست: حقوق جنسی زوجه در فقه و حقوق موضوعه
۱۷	مبحث نخست: مفهوم شناسی
۱۷	گفتار نخست: حق
۱۹	بند نخست: حق قانونی
۲۰	بند دوم: حق ادعا
۲۰	بند سوم: حق آزادی
۲۱	بند چهارم: حق قدرت
۲۱	بند پنجم: حق مصونیت
۲۲	بند ششم: حق اخلاقی
۲۲	بند هفتم: حق شرعی
۲۳	گفتار دوم: تکلیف
۲۵	بند نخست: حق و تکلیف
۲۶	بند دوم: حقوق و تکالیف زوجین
۲۸	گفتار سوم: فقه
۲۹	گفتار چهارم: حقوق موضوعه
۲۹	گفتار پنجم: جنس و جنسیت
۳۱	بند نخست: نیاز جنسی
۳۳	بند دوم: تفاوت نیاز جنسی در زن و مرد
۳۵	گفتار ششم: مفهوم نشوز
۳۶	بند نخست: نشوز زوج
۳۹	بند دوم: نشوز زوجه
۴۲	مبحث دوم: حقوق زوجین در فقه
۴۳	گفتار نخست: حقوق زوجه در فقه
۴۳	بند نخست: حق نفقه
۴۵	بند دوم: حق قسم
۴۶	بند سوم: حق موافقه
۴۹	بند چهارم: حق مضاجعه
۴۹	بند پنجم: حق استمتاع
۵۰	بند ششم: حق وطی
۵۱	بند هفتم: حق فسخ نکاح
۵۱	گفتار دوم: حقوق زوج در فقه

۵۲	گفتار سوم: حقوق مشترک زوجین در فقه
۵۳	بند نخست: حسن معاشرت
۵۵	بند دوم: معاضدت
۵۵	بند سوم: وفاداری
۵۶	مبحث سوم: قواعد مؤثر بر حکم قضایی و ضمانت اجرایی حقوق جنسی زوجه
۵۶	گفتار نخست: قاعده عسر و حرج
۵۷	گفتار دوم: قاعده لا ضرر
۵۸	گفتار سوم: قاعده تلازم حکم عقل و شرع
۵۹	گفتار چهارم: قاعده حرمت ایذاء مومن
۶۰	گفتار پنجم: ضمانت اجرایی حقوق جنسی زوجه
۶۲	بند نخست: غیبت زوج
۶۳	بند دوم: عدم پرداخت نفقه
۶۳	بند سوم: وکالت زن در طلاق
۶۵	فصل دوم: تطابق تجربه زیسته زنان با فقه و حقوق موضوعه
۶۶	مبحث نخست: روش انجام پژوهش
۶۶	گفتار نخست: طرح پژوهش
۶۶	گفتار دوم: جامعه مورد مطالعه
۶۷	گفتار سوم: ابزار پژوهش
۶۷	گفتار چهارم: روش اجرا پژوهش
۶۸	گفتار پنجم: روش تجزیه و تحلیل داده ها
۶۸	گفتار ششم: ملاحظات اخلاقی پژوهش
۶۹	گفتار هفتم: اعتبار پذیری پژوهش
۶۹	مبحث دوم: یافته های پژوهش
۶۹	گفتار نخست: اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان
۷۲	گفتار دوم: یافته های پژوهش
۸۰	نتیجه گیری
۸۵	پیشنها
۸۶	فهرست منابع

مقدمه

از منظر دین اسلام، خانواده نهاد مقدس و قدرتمندی محسوب می شود. این نهاد میتواند هر انسانی را به رشد و شکوفایی برساند یا به عکس آن ها را به درجات پست تر تنزل دهد... با تشکیل خانواده رابطه‌ی صمیمانه‌ی زوجیت بین زن و شوهر شکل می گیرد که همین موضوع حقوق و تکالیف مختلفی، برای زوجین به دنبال خود خواهد داشت. از جمله مواردی که می توانیم به آن اشاره کنیم، به روابط جنسی است که از اساسی ترین اهداف ازدواج و حقوق مشترک بین زوجین محسوب می شود. (قوجایی خامنه و برخوردار به نقل از جوادی آملی، ۱۳۹۹) اگر این ارتباط، به شکلی صحیح ایجاد شود، بنیان و اساس خانواده به خوبی حفظ می شود و از انحرافات جنسی زوجین، جلوگیری می شود. حساسیت محیط خانواده و اهداف بلند مدت آن شرایطی را فراهم می کند که زوجین نهایت تلاش و دقت خود را، در حسن معاشرت با یکدیگر انجام دهند.

بی توجهی به حقوق جنسی زن یا شوهر، می تواند منجر به نارضایتی جنسی در آنها شود و با گذشت زمان ابعاد مختلفی از خانواده را تحت تاثیر بگذارد. عدم توجه هر کدام از آن ها افسردگی، اضطراب، ایجاد حس کافی نبودن برای یکدیگر و در نهایت خیانت جنسی و در نهایت طلاق را به دنبال خواهد داشت. همچنین بر اساس پژوهشی که رحیمی در پایان نامه ی خود انجام داده بود: بین نارضایتی از روابط جنسی و اختلافات زناشویی رابطه مستقیمی وجود دارد. در واقع یعنی هر چه نارضایتی جنسی بیشتر باشد، اختلافات زناشویی نیز بیشتر می شوند. بر این اساس می توان گفت که: هرچقدر بیشتر زن از رابطه جنسی با شوهر راضی نباشد، میزان اختلافات زناشویی آنها نیز بیشتر می شود (رحیمی، ۱۳۹۱).

طبق آخرین آمارهایی که از رفتار جنسی ساکنان شهر تهران و چندین شهر ایران در مراسم رونمایی از کتاب «زن، سلامت و محیط زیست شهری» توسط امید زمانی 'عضو گروه جامعه‌شناسی پزشکی و سلامت انجمن جامعه‌شناسی ایران، ارائه شده است. « ۵۰ درصد طلاق‌ها در تهران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، مربوط به نارضایتی از روابط جنسی است.» (راديو فردا، ۱۳۹۴) مراجعه به پرونده های مطرح در دادگاه خانواده به وضوح نشان می دهد که بخش بسیار زیادی از چالش های خانواده یا به صورت مستقیم مرتبط با نارضایتی زنان از روابط

جنسی با همسرانشان است، و یا به صورت غیر مسقیم و به عنوان خواسته پنهان زنان در دیگر دعاوی، همچون دعاوی ناظر به سوء رفتار زوج یا تقاضای طلاق مطرح است. طبق برآورده پژوهش گران، پنجاه درصد از زوجین متقاضی طلاق در کشورمان، به دلیل مشکلات جنسی کارشان به دادگاه کشیده شده است. هرچند انگیزه های دیگری را مطرح می کنند (فهرستی، ۱۳۹۰) بدین ترتیب بهره وری و برقراری رابطه ی جنسی، حق و وظیفه ای متوجه دو طرف است که جز با توافق زن و شوهر، بر انجام آن، مشروعیت پیدا نخواهد کرد.

همان طور که انتظار می رود زن به تأمین نیازهای جنسی مشروع شوهرش و رعایت حق همخوابگی با او بپردازد، به طور متقابل لازم است مرد حقوق زناشویی همسرش را به رسمیت شناخته و به آن توجه کند (محمدیان و همکاران، ۱۴۰۰). اما به رغم به رسمیت شناختن حق مزبور و حتی تأکید برخی از متون دینی بر شدید تر بودن میل جنسی در زنان، متوجه می شویم که نظر غالب فقهای امامیه، این است که زوجه همواره اگر عذر مشروعی ندارد باید پاسخگوی نیاز جنسی زوج باشد و در صورت عدم تمکین، ناشزه در نظر گرفته شده و حق نفقه وی، ساقط می شود.

اما زمانی برای زوجه، امکان مطالبه این حق وجود دارد، که از همبستری سابق، چهار ماه گذشته باشد. این در حالی است که (آیه ۱۸۷ سوره بقره): [هن لباس لکم و انتم لباس لهن] خلاف این امر را نشان می دهد. بر اساس آیه شریفه، قرآن، هیچ یک از زن و مرد را فرع بر وجود دیگری ندانسته، بلکه هر دو را در عرض هم و مکمل یکدیگر به شمار آورده است. اسلام هرگز نمی گوید که زن برای مرد آفریده شده، بلکه می گوید که هر یک از زن و مرد، برای یکدیگر آفریده شده اند یعنی زن و مرد، وسیله آرامش یکدیگر می باشند. از این رو هر یک وسیله زیست دیگری به شمار می آید. (مرویان حسینی، ۱۳۹۴) زن و مرد، دارای تکالیف یکسان، می باشند. لازم به ذکر است، شان نزول این آیه، انجام نیازها و حوایج جنسی است. مزید برآیه ذکر شده، آیه ۱۹ سوره ی نساء (عاشروهن بالمعروف)، مبتنی بر، تکلیف متقابل زوجین به حسن معاشرت با یکدیگر، با این تطبیق متناسب نیست. بنابراین به نظر می رسد که نظر غالب فقهای امامیه در تناقض با آیات شریفه است. همچنین رفتار تبعیض آمیز و تعیین تکالیف نامتناسب، به نظر خلاف اصل عدالت و تساوی در حقوق است. از طرف دیگر در روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده است

که به تأمین نیاز جنسی زن از جانب مرد تأکید شده است: «چنان چه مردی زانی را اختیار نموده و حال آنکه با آنان آمیزش نداشته باشد و یکی از آنان زنا کند گناه زانی این زن به عهده زوج اوست» سؤالی که اینجا مطرح می گردد، این است که چرا با وجود آیات و روایت نقل شده؛ همچنان نظریه فقهای متقدم، مبنی بر این که حق برقراری رابطه جنسی برای زنان هر چهار ماه یک بار می باشد، هنوز نظریه غالب بوده. و حتی قائل به اجماع در این خصوص نیز شده اند.

لازم به ذکر است، با توجه به مطالعات انجام شده، اهل سنت مبنای آمیزش جنسی هر چهار ماه یک بار را، به سوال خلیفه دوم از زنان مدینه دلیل آورده اند که؛ زنان مدینه شعری را به شرح ذیل سروده بودند " فوالله لو لا الله لا الزلزل من السریر جوانیه"، خلیفه سوال کرد یک زن چه مدت می تواند برای جماع صبر کند؟ پس زنان پاسخ دادند چهار ماه، پس خلیفه حکم کرد که مدت غیبت مرد از زن، چهارماه قرار داده می شود. مرحوم حکیم معتقد است آنچه در خصوص رفتار خلیفه آمده است، نه از نظر سند و نه از نظر دلالت حجت نیست، بلکه صرفاً یک ضرب الاجل حکومتی است و ارتباطی با حکم شرع ندارد. (روشن، ۱۳۹۶)

برخی از حقوقدانان، دلیل تفاوت تمکین زن از مرد را تحت هر شرایطی، و قرار ندادن این حق به صورت برابر برای زن، تفاوت فیزیکی زن و مرد، ذکر میکنند و استدلال میکنند که نیاز جنسی در مردان بیشتر است. اما ما در این رابطه به نتایج پژوهش های هانت و کینزی، اشاره میکنیم: نتایج پژوهش های هانت و کینزی، بیانگر آن است که: در آمریکا، در دهه های اخیر، از تفاوت های نقش جنسی زنان و مردان کاسته شده است. (کج باف، ۱۳۸۴) همچنین در تقابل افرادی که معتقد هستند که، نیاز جنسی مردان نسبت به زنان بیشتر است، پژوهش مسترز و جانسون این طور نشان داده است: دو تفاوت عمده نیز بین حالت های ارگاسم زنانه و مردانه وجود دارد: زن پس از تجربه یک ارگاسم (ارضاء شدن)، بر خلاف مرد، می تواند بلافاصله به ارگاسم دیگری نیز برسد، اگر پس از ارگاسم اول، تحریک جنسی ادامه یافته و تنش جنسی او به زیر مرحله پلاتو (تداوم تحریک) نزول نکند. همچنین زن می تواند یک تجربه ارگاسم را به مدت نسبتاً زیادی حفظ کند. (نظری توکلی و کراچیان ثانی به نقل از مسترز، جانسون، ۱۳۹۷)

بنابر این می توان گفت که بر اساس پژوهش های انجام شده لزوماً نیاز جنسی مردان نسبت به زنان بیشتر نیست. فقیهان اسلامی متأخر، سعی کرده اند که تدابیری برای رعایت حقوق جنسی زوجین، به صورت متعارف در نظر بگیرند اما نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران آن را نادیده گرفته، نه تنها قانون مدنی حتی قانون حمایت خانواده سال ۹۱ نیز ضمانت اجرایی برای نشوز زوج در نظر نگرفته است، حتی عنوان نشوز زوج را، در قوانین مطرح نکرده است.

در صورتی که قانون مدنی، در روابط مالی زوجین و حقوق مالی زوجه وارد شده و مواد متعدد، در این رابطه، برای روشن تر شدن حقوق مالی زوجه، وضع کرده است. در حالی که، در مورد رابطه زناشویی زوجین، به جز این که عدم تمکین زوجه، موجب ساقط شدن نفقه اوست، وارد حقوق جنسی زوجه نشده است. بنابراین؛ سبب توجه حداکثری به حقوق جنسی مرد و نادیده گرفتن حقوق جنسی زن در عرف می شود. همچنین، یکسان در نظر گرفتن تمام زنان در این مورد، موجب ایجاد مشکل، در حق قسم و حق موافقه خواهد شد. می توان گفت ترسیم نظام رابطه زناشویی در فقه رایج و نظام حقوقی ایران، مرد سالاری است. (نوبهار و حسینی، ۱۳۹۷) و نتیجه ی حاصل شده، از قوانین موجود این است؛ که زوج، در هر شرایطی می تواند با زن رابطه ی جنسی برقرار کند و زن در صورت نداشتن مانع مشروع، مکلف به تمکین از مرد است.

در حالی که زوج، صرفاً هر چهار ماه یک بار مکلف به تأمین نیاز جنسی زوجه است، که این نظریه قابل نقد و بررسی است. با توجه به مطالب گفته شده، پژوهش حاضر، در نظر دارد که با استفاده از ابزار مصاحبه، تجربه زیسته زنان شهر تهران را، در رابطه با حقوق جنسی آنان، مورد سنجش قرار دهد و ببیند چه میزان، حقوق جنسی آنان در رابطه زناشویی رعایت می شود و چه قدر حقوق جنسی تعیین شده توسط حقوق موضوعه با میزان رضایت آنان، تطابق دارد.

لذا با توجه به عدم وجود پژوهشی علمی و جامع در حوزه حقوق جنسی زوجه و بررسی تجربه زیسته زنان و تطابق آن با فقه و حقوق موضوعه، پژوهش حاضر با جستجو موضوع مذکور در فقه و قوانین موجود و همچنین تحلیل و بررسی تجربه زیسته زنان در این خصوص، درصدد پاسخ به دو پرسش اصلی « ۱. فقه و حقوق موضوعه، در رابطه

با حقوق جنسی زوجه چه دیدگاهی دارند؟» و «۲. چه رابطه ای میان تجربه زیسته زنان، در زمینه‌ی حقوق جنسی آنان، با دیدگاه فقه و حقوق موضوعه وجود دارد؟» و چهار پرسش فرعی «۱. ثابت ماندن دیدگاه حقوق موضوعه بر نظر فقهای متقدم، چه تاثیری بر حقوق جنسی زوجه دارد؟» و «۲. حقوق موضوعه، چه ضمانت اجرایی برای نشوز زوج در نظر گرفته است؟» و «۳. عدم رعایت حقوق جنسی زوجه، چه تاثیری بر ابعاد دیگر خانواده می گذارد؟» و «۴. در صورت عدم ارضای نیاز جنسی زوجه، چه راهکار هایی برای زوجه وجود دارد؟» می باشد.

شکل گیری پایان نامه حاضر بر پایه این فرضیات است: ۱. حقوق موضوعه، دیدگاهی متناقض در رابطه با حقوق جنسی زوجه، با فقهای متأخر دارد. ۲. تجربه زیسته زنان در زمینه حقوق جنسی آنان، رابطه ای مغایر با دیدگاه فقه و حقوق موضوعه دارد. ۳. ثابت ماندن دیدگاه حقوق موضوعه، بر نظر فقهای متقدم، باعث نادیده گرفتن حقوق جنسی زوجه می شود. ۴. حقوق موضوعه، برای نشوز زوج، صراحتاً ضمانت اجرایی در نظر نگرفته است. ۵. عدم رعایت حقوق جنسی زوجه، موجب ایجاد اضطراب، افسردگی و خیانت جنسی یا طلاق می شود که خود موجب آسیب فرزندان است. ۶. تنها راهکار موجود برای زوجه، در صورت عدم ارضای نیاز جنسی وی، صبر و در نهایت طلاق، آن هم با اثبات عسر و حرج خویش، می باشد.

نگارنده در پایان نامه حاضر کوشیده است که بر محور این هدف پیش رود: ابتدا حقوق جنسی زوجه، از دیدگاه فقها و حقوق موضوعه را مورد بررسی و تحلیل قرار داده، سپس به تطابق تجربه زیسته زنان به صورت خاص نبت به این مساله پردازد؛ همچنین در پایان پیشنهادهای مربوط به آن پردازد.

در رابطه با ضرورت انجام پژوهش باید گفت که باتوجه به مطالب ذکر شده، از آنجایی که حقوق جنسی زوجین، در زندگی زناشویی، از اهمیت بالایی برخوردار است و حقوق موضوعه کشور ما، همچنان بر آرای فقهای متقدم، باقی مانده و کمبود وجود قوانینی مربوط به نشوز زوج، احساس می شود لذا ضروری می نماید که این مسئله مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که، تأکید حقوق کشور ما بر آرای فقهای متقدم، در چند پژوهش، ذکر شده است. اما پژوهشی که در آن، نیاز جنسی زنان را، براساس تجربه زیسته آنان در جامعه مورد بررسی، قرار دهد صورت نگرفته و از آنجایی که مشکلات زناشویی به

دلیل عدم برقراری درست و کامل رابطه جنسی زوجین، رو به افزایش است؛ تا جایی که زنان برای طلاق از مرد باید عسر و حرج خود در این زمینه را ثابت کنند و خیلی از زنان با وجود نارضایتی از این مسئله به دلیل حجب و حیا از مراجعه به دادگاه خودداری می کنند از این رو ضرورت طرح و توجه به این مسئله، و چاره اندیشی و تدبیر برای مواجهه با آن اجتناب ناپذیر است. ماهیت این تحقیق توصیفی - تحلیلی، با ابزار اسنادی، روش کیفی با ابزار مصاحبه و همچنین فرا تحلیل است. که از طریق جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت می پذیرد. همچنین با مصاحبه با ۴۶ زن متأهل و تحلیل مصاحبه‌ی آنان پژوهش به سرانجام می‌رسد.

جست‌وجویی در پژوهش‌های صورت گرفته برای یافتن مطالب مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نشان داد، آثار مختلفی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه در حوزه‌ی حقوق جنسی زوجه به رشته‌ی تحریر درآمده است که ذیلاً به برخی از این موارد اشاره می‌گردد.

پژوهش محمدیان و همکاران (۱۴۰۰) که در قالب مقاله، در فصلنامه علمی، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده به چاپ رسیده است. به منظور بازخوانی مستندات فقهی است، مبنی بر این که، فقیهان در زمینه تأمین نیازهای جنسی بین زن و شوهر، تفاوت گذاشته اند، و آرای فقیهان را، در محک ادله فقهی مورد سنجش قرار می دهد. این پژوهش، پژوهشی مسئله محور است که با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که: نظر مشهور فقیهان، خالی از مناقشه نبوده و مستندات ذکر شده ایشان، یاری اثبات چنان دیدگاهی را ندارد و آنچه که از بررسی ادله رایج، استظهار میشود این است همانگونه که پاسخگویی به مطالبات جنسی شوهر از وظایف زوجه است به همین نحو چنین حقی در جانب زن نیز ثابت بوده و قول به تبعیض در حقوق جنسی فاقد وجهت شرعی است.

پژوهش شعر بافچی زاده و همکاران (۱۳۹۹) که در قالب مقاله در نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده به چاپ رسیده است. به منظور تحلیل محتوای متون فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران و بیان مضمون‌های آشکار

و پنهان این متون انجام شده است و به دنبال، بررسی برخورد متون فقهی و حقوقی، با نیاز جنسی زن است. همچنین می‌خواهد بداند این برخورد، چه تاثیرات احتمالی تربیتی یا روحی روانی بر این قشر از جامعه خواهد گذاشت. این مطالعه با روش تحلیل محتوای متون فقهی و حقوقی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی، شناسه بندی و تم سازی انجام گرفته است. نتایج این مطالعه مشخص کرد که اصل نیاز و میل جنسی زن در دین اسلام پذیرفته شده و توجه به مواردی مانند حق قسم، حق مضاجعه و حق مواقعه، در متون فقهی در واقع به رسمیت شناختن این نیاز و تدبیر راه و روش برای تامین آن شده است و در مجموع در ادبیات فقه و حقوق، وجود گزینه جنسی در زن و مرد مفروض گرفته شده، احکام و ملازمات شرعی بر همین مبنا وضع شده است. یکی از وظایف زن در زندگی مشترک، برقراری رابطه جنسی با شوهر است، هرچند لزوم ارتباط جنسی مرد با زن، در هیچ یک از مواد قانونی بیان نشده است و می‌توان گفت جانب عدالت در مورد زن رعایت نشده است. و با توجه به تاثیرات روحی- روانی عدم توجه به این نیاز در زنان، نگاه به این نیاز از دریچه حق مرد و تکلیف زن، وضع حقوق حداکثری و تکلیف حداقلی برای مرد و حقوق حداقلی و تکلیف حداکثری برای زن موجب آسیب روحی- روانی برای زنان شده است. این در حالی است که در نظر گرفتن آن به صورت حق و تکلیف توأمان می‌تواند از بروز آزار بد روحی روانی در زنان جلوگیری کند و رضایت از زندگی را در آنان افزایش بدهد.

پژوهش قوجایی خامنه و برخوردار (۱۳۹۹) که در قالب مقاله در نشریه مطالعات قرآنی نامه جامعه، به چاپ رسیده است. به منظور بررسی تطبیقی حقوق جنسی زوجه از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و علامه فضل الله (ره) میباشد. این پژوهش، به دنبال: اختلاف‌ها و شباهت‌های دیدگاه علامه طباطبایی و علامه فضل الله در بیان حقوق جنسی زوجه در قرآن است. و نشأت مبنای اختلافات و شباهت‌ها را بررسی میکند. روش پژوهشگران در این مقاله، به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی- توصیفی است. یافته‌ها و نتایج این پژوهش، حاکی از آن است که: دو «اصل معاشرت به معروف» و «مماثلت زوجین» در حقوق و تکالیف از مبانی قرآنی این بحث است. و حقوقی همچون حق قسم، حق مضاجعه و حق استمتاع قابل برداشت از آیات است. در مورد حق قسم و مضاجعه، اتفاق نظر بین دو مفسر وجود دارد و مهمترین اختلاف در حد زمانی حق استمتاع زوجه، است و به نظر می‌رسد دیدگاه علامه فضل الله به اصل

«معاشرت به معروف» نزدیک تر است و بحث ارائه شده توسط علامه فضل الله، فقهی - تفسیری است، در حالی که بیانات علامه طباطبایی صرفاً تفسیری است و همچنین می توان اطمینان یافت که اسلام حدود چهار ماه را به عنوان حداقل حقوق جنسی زن، معین کرده و نیاز جنسی زن باید پاسخ داده بشود و افزایش مدت در برخی شرایط استثنایی امکان پذیر است و در تطبیق دیدگاه گلی علامه طباطبایی و علامه فضل الله، باید گفت علامه فضل الله به مسائل روحی و روانی و آرامش زن توجه بیشتری، کرده و در ابعاد مختلف، به مسائل زنان پرداخته است

پژوهش احمدیه (۱۳۹۷) که در قالب مقاله در نشریه مطالعات راهبردی زنان به چاپ رسیده است. به منظور برشمردن برخی از حقوق جنسی زوجه، که در حقیقت، همان آداب استمتاع جنسی است، می باشد. و سپس مبانی الزام آن را، بررسی کرده و به این سوال که آیا حق استمتاع جنسی میان زوجین و به طور خاص حق زوجه که در روایات بر شمرده شده می تواند الزام آور باشد؟ پاسخ داده است. روش آن به صورت کتابخانه ای و تحلیلی - توصیفی است. پژوهش گر در این مقاله نتیجه گرفته که؛ معاشرت به معروف به عنوان یک اصل اخلاقی، در روابط زوجین، تنهایی یک خوش اخلاقی و خوش برخوردی نیست و یکی از وظایف واجب وجود ارتباط جنسی، میان زوجین است حق رعایت آداب جنسی در روابط میان زوجین، ظهور در وجوب دارد. زیرا رعایت آداب جنسی و بهره مندی زن، در عمل زناشویی، حق زن است که شوهر باید رعایت کند. در غیر این صورت صحت رابطه جنسی از جانب مرد پذیرفته نیست و این حق به عنوان مقدمه و شرط واجب، برای ارتباطات زناشویی است. و همچنین تحقیقات پزشکی و روانشناسی ثابت کرده است که رعایت آداب جنسی، سلامت روحی و روانی زوجین را، به همراه دارد.

پژوهش ثمنی (۱۳۹۷) که در قالب مقاله، در فصلنامه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده به چاپ رسیده است. به منظور بررسی ماهیت مضاجعه و مسائل پیرامونی آن، در فقه امامیه می باشد. پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه ای - اسنادی انجام شده است. یافته های این پژوهش، حاکی از آن است که؛ با ارائه دلایل و مستندات، با انعقاد نکاح مضاجعه بر زوجین واجب می شود. و هر یک از زن و شوهر مکلفند در بستر مشترک

بخوابند. از این رو هر دو حق مضاجعه دارند. همچنین بر این مبنا هر یک از زن و شوهر را در بستر مشترک، دارای حق و تکلیف دانسته است؛ این امر چنانکه مورد توجه علم روانشناسی

نیز، قرار گرفته و موجب ایجاد انس و الفت میان زوجین، و مانع طلاق عاطفی می‌شود. همچنین از مبانی مهم اسلامی برای تحکیم خانواده به شمار می‌رود.

پژوهش نظری توکلی و کراچیان ثانی (۱۳۹۷) که در قالب مقاله، در فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی به چاپ رسیده است. به منظور نشان دادن برابری زن و شوهر، در تامین نیازهای جنسی متقابل، برای هر کدام از آنها است که بر اساس نظرات مخالف و موافق، در فقه شیعه و مطالعه تطبیقی آن با آرای فقهای اهل سنت، می‌باشد. روش پژوهشگران کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که وجوب آمیزش در هر چهار ماه یکبار، آنگونه که مشهور فقهای امامیه بر آن هستند، مشروط به عدم درخواست زن برای انجام آمیزش پیش از این مدت، است. همچنین وجوب تمکین زن برای آمیزش جنسی، بر اساس خواست مرد، مشروط به تمایل و خواست مشترک هر دو، برای انجام آمیزش است. پس در در نهایت می‌توان گفت که حکم و حقوق زوجین در روابط زناشویی، باید مساوی باشد.

پژوهش نو بهار و حسینی (۱۳۹۷) که در قالب مقاله، در فصلنامه خانواده پژوهی به چاپ رسیده است. این مقاله بر پایه التزام به قاعده لزوم معاشرت به معروف، به نقد و بازنگری دیدگاه‌های رایج فقهی و حقوقی، در حوزه روابط جنسی زوجین، می‌پردازد. و کم و کیف رابطه زناشویی را، در آئینه قاعده لزوم معاشرت به معروف، در روابط زوجین واکاوی نموده است. این پژوهش به شیوه کمی و به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. بر اساس یافته‌ها نیز، می‌توان نتیجه گرفت که: رفتارهایی که پیشتر معروف بوده اند اما اکنون نامتعارف قلمداد می‌شوند نمی‌توانند مقبول شارع باشند و بر این اساس، برقراری روابط متعارف جنسی، لازمه معاشرت به معروف است و امکان التذاذ جنسی، از جمله حقوق و تکالیف مشترک هر یک از زوجین، است.

پژوهش سجادی امین (۱۳۹۶) که در قالب مقاله در فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده به چاپ رسیده است. این پژوهش به دنبال بررسی و اثبات مبانی فقهی موثر در جریان قاعده نفی عسر و حرج است. و این قاعده را با مسائل

فقهی خانواده تطبیق می دهد. روش آن به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی است. نتیجه حاصل شده از این پژوهش این است که: مقصود از حرج در این قاعده، حرج فعلی شخصی اعم از حرج جسمی و روحی است. معیار و ملاک برای تشخیص تحقق حرج، در رعایت یک حکم شرعی، عرف با لحاظ ویژگی‌های فردی و اجتماعی مکلف و توجه به موقعیت زمانی و مکانی او است. این قاعده کاربردهای بسیاری در مسائل فقهی خانواده دارد و آنچه بیش از عوامل دیگر در تطبیق این قاعده تاثیر گذار است، اختلاف نظر در مبانی فقهی این قاعده است. و توجه به این مبانی مانع برخورد سلیقه‌ای در تطبیق این قاعده در موارد مشابه می گردد.

پژوهش حبیبی تبار و فراهانی (۱۳۹۴) که در قالب مقاله در نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده به چاپ رسیده است. این مقاله می گوید: از آنجا که تحقق نشوز در روابط زناشویی، امری مشترک میان زوج و زوجه است شرع و قانون در جهت جلوگیری از آن ضمانت اجرایی را در نظر گرفته اند. این مقاله سعی دارد به پرسش اساسی که: آیا می توان عدم رعایت حق مضاجعه یا حق مواقعه از سوی زوج را جرم تلقی کرد؟ و آیا می توان برای جلوگیری از آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفت؟ را پاسخ دهد. روش آن تحلیلی - توصیفی است. یافته‌های این مقاله نشان می دهد که حتی در مواردی قانون حمایت خانواده از بازدارندگی لازم برخوردار نبوده و از این جهت نقدهایی بر آن وارد می باشد. ملاحظات خاص زندگی خانوادگی و خصوصیات حقوقی یادشده، نافی رویکرد کیفری به نشوز زوج می باشد. هر چند ضمانت اجرای های مدنی به قوت خود باقی خواهد بود.

پژوهش الله مرادی واحدی (۱۳۹۴) که در قالب مقاله در دو فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده به چاپ رسیده است. مسئله این پژوهش این است که: آیا حق درخواست طلاق زوجه محدود به موارد ذکر شده در قانون مدنی است؟ یا در کلیه مواردی که شوهر به ناحق از ادای وظایف و تکالیفی که به موجب پیمان ازدواج، بر عهده او نهاده شده است استنکاف کند، که در اصطلاح به آن نشوز مرد می گویند، حاکم (قاضی) میتواند به درخواست زن، وی را علی‌رغم میل و اراده شوهر متمردهش، طلاق دهد؟ این پژوهش به شیوه کمی و به روش تحلیلی - توصیفی انجام گرفته است. بر اساس یافته ها، نیز می توان نتیجه گرفت که؛ با استناد به آیه ۲۲۳ سوره بقره و استفاده از دو تعبیر امساک بمعروف یا تسریح باحسان در زندگی زناشویی، بر شوهر واجب است در برابر همسرش، دو راه را

اختیار کند: یا با انجام تمام وظایف، حقوق او را به خوبی و شایستگی ایفا کند یا او را طلاق داده، به نیکی رها سازد. به موجب این اصل در صورت عدم رعایت حقوق زوجه، قاضی میتواند به درخواست زن، زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زن را علی‌رغم میل شوهرش، طلاق دهد. و همچنین مقاله منظور به دنبال اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، با توجه به اصول مطرح شده است.

پژوهش مرادخانی (۱۳۹۴) که در قالب مقاله در فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی به چاپ رسیده است. و به منظور بررسی احکام خانواده و نشوز مرد در کتاب التفسیر مسند امام رضا (ع) می‌باشد. در کتاب التفسیر مسند امام رضا (ع) روایات مرتبط به خانواده مانند آداب ازدواج، آئین همسر داری، سقط جنین، نفقه و نشوز مرد نقل گردیده است؛ که در این مقاله، تنها به ذکر روایات، بسنده شده، ولی چون از نشوز مرد کمتر بحث شده است، در این مقاله به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهشگر به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که: نشوز مرد در قرآن تنها در یک آیه مطرح شده است و در مجموع از طریق شیعه چهار روایت، در تفسیر آیه ۱۲۸ سوره نساء مطرح شده است. و راه حل پیشنهادی آیه و روایات جهت حفظ و ادامه زندگی، گذشت زن از تمام یا برخی از حقوق خویش، مانند: مهریه، حق قسم و نفقه، در قالب عقد صلح است.

پژوهش شاکری گاپایگانی، کاردوانی و وکیلی (۱۳۹۳) که در قالب مقاله در فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده به چاپ رسیده است. به منظور بررسی فقهی و حقوقی جایگاه ضرب در نشوز و شناخت ابهامات و نواقص قانونی این مسئله پرداخته، همچنین با مراجعه به قوانین موجود، رویه قضایی، رویکرد حقوق ایران، به این موضوع و نواقص و ابهامات آن مطرح می‌کند. این پژوهش با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای بررسی شده است. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش تعریف و مختصات نشوز، گستره آن و نیز جایگاه ضرب در مواجهه با رخداد نشوز در خانواده در حقوق موضوعه نواقص و ابهامات جدی دارد، لذا باید بر اساس آراء فقه امامیه و با رویکردی متناسب با مقتضیات نهاد خانواده و روابط مطلوب زناشویی در جامعه کنونی ایران، این نواقص و ابهامات رفع شود.

پژوهش فهرستی (۱۳۹۰) که در قالب مقاله در نشریه فقه و تاریخ تمدن به چاپ رسیده است. به منظور بررسی حقوق جنسی زوجین و چالش‌های مرتبط با آن، سعی می‌کند پس از بررسی موضوع از دیدگاه فقهی و حقوقی چالش‌های حقوقی موجود را، تبیین و با روش تجزیه و تحلیل داده‌های موجود، راه حل‌های مبتنی بر قواعد و اصول قابل قبول، را ارائه کند. و پژوهشگر در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که توجه دقیق اسلام به مسئله ارضای جنسی زن و مرد در مؤلفه‌های مختلفی از سیستم حقوقی اسلام، که از جمله فسخ نکاح، تبلور یافته است، با وجود دیدگاه منطقی و مترقیانه اسلام، زوایایی از مسائل مربوط پس از گذشت سال‌ها همچنان در هاله‌ای از ابهام و یا اختلاف نظر باقی مانده، این امر باعث شده امروزه افراد بیشماری با مشکلات بسیاری مواجه شوند. پس علمای دین باید با توجه به منابع غنی اسلام و پیشرفت‌های علوم دیگر به اصلاح و تکمیل قوانین مربوطه بپردازند.

پژوهش کج باف (۱۳۸۴) که در قالب مقاله در نشریه مطالعات راهبردی زنان به چاپ رسیده است. به دنبال بررسی رفتار جنسی، به عنوان یکی از رفتارهای اساسی، در زندگی انسان به ویژه پس از ازدواج که از اهمیت بسیاری برخوردار است می‌باشد. این پژوهش به شیوه کمی و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. بر اساس یافته‌ها نیز می‌توان نتیجه گرفت که: رفتار جنسی مطلوب و طبیعی و ارضای نیاز جنسی به شیوه معقول و در حد اعتدال، عامل موثری در سلامت روانی و جسمانی افراد، خواهد بود. و روشن شد که بسیاری از اختلافات همسران در نتیجه عدم ارضای صحیح و مطلوب نیاز جنسی، که در پی عدم اطلاع از چنین فرآیندی، پدید می‌آید، می‌باشد. جهت حل مشکلاتی از این قبیل نیز، باید آموزش‌های جنسی پس از ازدواج را، در مراکز مشاوره، ایجاد یا تقویت نمود. پژوهش‌های فوق نمونه کارهایی است که خوانش آن‌ها بر ذهن پژوهش‌گر در جهت انجام تحقیق مؤثر بوده است، اما در این تحقیقات پرسش‌های مورد نظر در پژوهش حاضر پاسخ داده نمی‌شوند. با توجه به اینکه هیچ پیشینه‌ی پژوهشی موضوع مورد مطالعه خود را بررسی حقوق جنسی زوج با توجه به فقه و حقوق موضوعه و تطابق آن با تجربه زیسته زنان شهر تهران قرار نداده است، نگارنده در این تحقیق بر آن است ابتدا مفهوم حقوق جنسی زوج در فقه و حقوق موضوعه را به طور کلی مورد بررسی قرار داده و در نهایت با تطابق آن با تجربه زیسته زنان شهر تهران تبیین نماید.

از دشواری های انجام پژوهش می توان به دشواری های بهره گیری از تکنیک مصاحبه ، که مهم ترین آن ها عبارت بودند از: مخالفت با ضبط شدن مصاحبه ها، ممانعت از پذیرفتن مصاحبه جهت پاسخ به سوالات و شرم و حیای بسیاری از مشارکت کنندگان راجع به صحبت در مورد بسیاری از مسائل شخصی اشاره داشت. همچنین به دلیل استفاده از روش نمونه گیری غیر تصادفی و محدود بودن نمونه ها امکان تعمیم نتایج حاصل از این پژوهش به جامعه هدف و در دسترس با محدودیت مواجه می شود.

پژوهش حاضر ابتدا در فصل نخست، طی مبحث اول به تحلیل مفاهیم حق، تکلیف، فقه، حقوق موضوعه، جنس و جنسیت و نشوز می پردازد. سپس در مبحث دوم به حقوق زوجه در فقه، حقوق زوج در فقه و حقوق مشترک زوجین در فقه اشاره می کند. و در مبحث سوم این فصل چهار قاعده عسر و حرج، لاضرر، تلازم حکم عقل و شرع و حرمت ایذاء مومن و همچنین ضمانت اجرایی حقوق جنسی زوجه بررسی می شود. موضوع مهم فصل دوم این پژوهش نیز تطابق تجربه زیسته زنان با فقه و حقوق موضوعه است که مبحث نخست آن به روش انجام پژوهش می پردازد. در مبحث دوم، یافته های پژوهش بررسی و تحلیل می شود. بخش نهایی کار با نتیجه گیری و ارائه ی پیشنهاد های برخاسته از تحقیق پایان می یابد.

فصل نخست: حقوق جنسی زوجه در فقه و حقوق موضوعه